

هندوه

داریوش معمار

بنابراین چه سختی است
هر کار
در خود ایستادن
فرو کشیدن تمام لحظه ها
و چاله چاله شدن
بر گونه
یا صداهای ناهنجار را قرائت کردن
که آواز ماست این

اما زخم ها تقصیر کسی نیست
عاقبت
در بادی بود
که بر ما می گذشت
و تن ها با هر برخورد ناگزیر تهی تر می شوند
منقبض تر
مرگ در انتظار است
بی ضیافت و پرچین
و ما در انتظار معجزه ای که تکه های تصاویر را
بر هم
بر گرداند

درد از دوش بالا می رود
نمی پیچم از درد
می پیچم به خود
سوزن بان در تنم قطار ها را می رساند به هم
تا فاجعه هر چه رقت بار تر اتفاق بیفتد
در این حال بر- می خیزم
سلانه
تا به آگاهی کلمات
سر کشی کنم
در کش و قوس
زندگی وارد می شود
صدایی مفلوک در گوش می زند
استطاعت ما بیش از این نیست که پیش از این بوده
و در کرانه ها که موج ها بر کرانه ها می کوبند
ما تنها بر آغاز
سُریده ایم